

مطالعه تطبیقی واقعه معراج در نگاره معراج سلطان محمد و متن معراجیه‌های نظامی*

مهدی دوازده‌امامی^۱، زینب سادات حسین‌زاده حجازی^۲، محی‌الدین آفادودی^۳

۱- دکترای تخصصی، رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان

۲- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان

۳- دانشجوی دکترای تخصصی رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

چکیده

معراج پیامبر (ص) یکی از مباحث مهم اعتقادی اسلام است که در متون ادبی و آثار هنری بازتاب یافته‌است. نگاره معراج اثر سلطان محمد، نگارگر قرن ۹ هـ.ق و معراجیه‌های نظامی گنجوی شاعر قرن ۶ هـ.ق، از جمله بهترین این آثار هستند. این پژوهش سعی دارد تا نقش قابلیت‌های رسانه‌ای دو حوزه نگارگری و ادبیات در بازتاب عظمت شخصیت پیامبر (ص) را مورد ارزیابی قرار داده و از منظر بینامتنیت، به مطالعه تطبیقی نگاره معراج سلطان محمد و متن معراجیه‌های نظامی بپردازد تا زمینه‌ساز پاسخ به این سؤال باشد که: «نگاره معراج سلطان محمد چگونه و به چه میزان توانسته است به متن معراجیه نظامی وفادار باشد؟» و «کدام‌یک از این دو اثر بازتاب بهتری از عظمت پیامبر (ص) در قالب موضوع معراج داشته‌اند؟» لذا عناصر به‌کاررفته در هر دو اثر با معیار قرآن سنجدیده شده و سپس تطبیق مؤلفه‌های دو اثر انجام گردیده است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی است. روش یافته‌اندوزی، کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و روش تحلیل یافته‌ها، کیفی است. به نظر می‌رسد که: نگاره معراج اثر سلطان محمد با وجود برخی نوآوری‌ها، به میزان قابل‌توجهی به متن معراجیه اثر نظامی وفادار بوده و درعین حال هر دو اثر دربرگیرنده عناصر اصلی رخداد عظیم معراج مطابق با قرآن و احیای هستند.

واژه‌های کلیدی: معراج، نگارگری، ادبیات، سلطان محمد، نظامی.

1. Email: m12emami@yahoo.com

2. Email: zeinab.hejazi@yahoo.com

3. Email: m.aghadavoudi@shahed.ac.ir

مقدمه

معراج پیامبر اسلام (ص)، یکی از برجسته‌ترین سفرهای عرفانی است. این واقعه از همان ابتدا مورد توجه بسیار واقع شده است و دانشمندان زیادی به شرح و تفصیل آن پرداخته‌اند. آثار ادبی و نگارگری ایرانی - اسلامی به واسطه غنای محتوا و ساختار نظام‌مند، همواره به‌عنوان عرصه پرباری جهت انجام پژوهش‌های گوناگون معاصر است. در این میان موضوع معراج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام به شمار آمده و با توجه به اهمیت آن، بازتاب گسترده‌ای در دو حوزه مذکور داشته است. یکی از پیشروان معراجیه‌سرایایی در ادب فارسی، نظامی گنجوی است. وی با توجه به دوره و محیط زندگی خود، به شعر شرع و زهد اهمیت بسیار می‌داده و در تمام آثار خود ذکر تممید و مناجات خداوند، نعت رسول اکرم (ص) و وصف معراج و شب معراج را به زیبایی هرچه تمام‌تر التزام کرده و بدین‌گونه، ذکر واقعه معراج را سنتی برای مثنوی‌سرایان پس از خود قرار داده است، شاعر در این معراجیه‌ها این واقعه مهم دینی و تاریخی را با نگاهی کلی و بیانی هنرمندانه و شاعرانه به رشته نظم درآورده است؛ شرح معراج پیامبر (ص) از بخش‌های برجسته مخزن‌الاسرار و دیگر منظومه‌های نظامی است که گاه به‌طور مبسوط و گاه به‌صورت مختصر، به نظم درآمده است. موضوع معراج علاوه بر قلمرو ادبیات، در حوزه‌های دیگر هنر نیز بازتاب وسیعی داشته است. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، نگارگری است. از جمله شاخص‌ترین هنرمندانی که در این حوزه، موضوع معراج را دست‌مایه اثر خود قرار داده است، سلطان محمد نقاش است، این هنرمند از جمله برجسته‌ترین نقاشان عهد صفوی است. نگاره معراج اثر سلطان محمد به جهت غنایی چندوجهی در ساختار ظاهری و محتوا، بازتاب وسیعی در تألیفات گوناگون داشته است، چنان‌که می‌نویسند: «نگارگری معراج حضرت رسول» از درخشان‌ترین نمونه‌های تاریخ نگارگری ایران است و بی‌شک، در میان بهترین نگاره‌های قرن دهم هـ.ق. ایران - که خود دوره‌ای منحصر به فرد در این هنر بی‌همانند است - قرار دارد. این اثر، به همراه سه اثر دیگر از سلطان محمد، در نسخه خطی مصور خمسه نظامی - سفارش شاه طهماسب - جای دارد که در فاصله سال‌های ۹۴۲ تا ۹۴۷ هـ.ق. نقاشی و خوشنویسی شده است و خوشنویس آن شاه

محمود نیشابوری از خطاطان بسیار مشهور است. این خمسه براساس مستندات تا دوره فتح‌علی‌شاه قاجار در کتابخانه سلطنتی نگهداری می‌شده است تا اینکه در سال ۱۸۸۰ به شکلی مشکوک برای موزه بریتانیا خریداری شده و در این موزه نگهداری می‌شود (زارع‌زاده و خزائی، ۱۳۹۱: ۹۲). پژوهش حاضر تلاش دارد در تکمیل پژوهش‌های ارزشمند پیشین با رویکردی نو به مطالعه بازتاب عظمت شخصیت پیامبر (ص) در قالب موضوع معراج بپردازد. در این راستا ابتدا قابلیت‌های (کارکرد) رسانه‌ای دو حوزه ادبیات و نگارگری به‌عنوان دو رسانه با اهمیت مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه با رویکرد بینامتنیت، به تطبیق دو نمونه از شاخص‌ترین آثار بازتاب‌دهنده واقعه معراج در این دو حوزه، می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

واقعه معراج حضرت رسول از لحاظ اعتقادی، ماورایی و فرهنگی بسیار جذاب و با اهمیت است. از این رو پژوهش‌های بسیاری در قالب‌های گوناگون در مورد این موضوع انجام شده است. با توجه به رویکرد و موضوع پژوهش حاضر و برای ارائه منسجم‌تر، این پژوهش‌ها را می‌توان در سه دسته مورد بررسی قرار داد. نخست پژوهش‌هایی که بیشتر ناظر بر بُعد تاریخی و اعتقادی واقعه معراج هستند. از جمله مهم‌ترین کتاب‌هایی که در این دسته قرار می‌گیرند: *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (۱۳۷۷) نوشته حسن بن علی بن محمد خزایی نیشابوری رازی از کهن‌ترین و مفصل‌ترین تفاسیر قرآنی شیعی است که تفسیر ابوالفتوح رازی هم خوانده می‌شود. هم‌چنین علامه محمد باقر مجلسی در «بحار الانوار» (۱۴۰۳ هـ.ق) جلد ۱۸، بابتی را به این موضوع اختصاص داده است. محمد بن جریر طبری متوفی به سال ۳۱۰ هـ.ق در *تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن* در مورد موضوع معراج مفصل سخن گفته است. کتاب منصور علی ناصف (بی‌تا) نیز با عنوان *التاج فی بیان المعراج* به جمع‌آوری احادیث پیرامون موضوع معراج پرداخته است.

دسته دوم منابعی هستند که بعد ادبی - تاریخی معراج را بررسی کرده‌اند: مهم‌ترین این منابع ادبی متعلق به الیاس بن یوسف (نظامی) با نام *اقبال‌نامه نظامی گنجوی* (۱۳۸۱) است.

دوره‌ها و مکاتب گوناگون مورد بررسی قرار داده‌است. از جمله آثار برجسته‌ای که به شایستگی از آن صحبت شده نگاره معراج سلطان محمد است. پژوهش‌هایی نیز در قالب مقاله در مورد این اثر به انجام رسیده است. از جمله: زارع زاده و خزائی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «صور خیال در تابلوی معراج حضرت رسول» می‌نویسند: تأثیری که ادبیات عرفانی بر نگارگری داشته این است که نگارگران عناصر تصویری را برای بیان معانی عرفانی به خدمت می‌گرفتند و سلطان محمد برخلاف برخی از نقاشان که شروع معراج یا بازدید پیامبر از بهشت و جهنم را به تصویر کشیده‌اند، به بخش میانی معراج توجه کرده و این ویژگی خاص این اثر است. خداداد و اسدی در مقاله «بررسی نقاشی‌های معراج حضرت محمد در کشورهای اسلامی از دیرباز تا به امروز» می‌نویسد: ترکیب‌بندی‌های تصاویر معراج نوعی فضای لایتناهی را تداعی می‌کند (۱۳۸۹: ۴۹).

براساس مطالعات انجام‌گرفته پیرامون پیشینه‌یابی پژوهش حاضر، این‌گونه به نظر می‌رسد که اغلب پژوهش‌ها با تمرکز بر ویژگی‌های یک حوزه و به‌صورت مستقل به انجام رسیده‌اند و کمتر پژوهشی با در نظر گرفتن ویژگی‌های دو حوزه نگارگری و ادبیات، به مطالعه تطبیقی و بینامتنی دو نمونه شاخص در بازتاب واقعه معراج، پرداخته است. لذا پژوهش حاضر با در نظر گرفتن هم‌زمان دو حوزه نگارگری و ادبیات (متون ادبی) به‌عنوان دو رسانه نیرومند در بازتاب عظمت شخصیت پیامبر (ص)، به بررسی تطبیقی دو اثر سلطان محمد و نظامی با رویکرد بینامتنیت و روندی روشمند می‌پردازد؛ که این مسئله به‌وضوح گویای ضرورت و اهمیت و نو بودن موضوع و رویکرد موردنظر در پژوهش حاضر است.

معنای لغوی معراج

عروج حضرت محمد (ص) در متون منظوم و منثور فارسی، «معراج» نامیده می‌شود. در لغت‌نامه دهخدا، ذیل این واژه آمده است که: معراج نردبان، عروج و صعود بر آسمان‌ها که ویژه حضرت رسول اکرم بود و آن بیست و ششم ماه رجب بوده‌است. (لغت‌نامه دهخدا) این کلمه در فرهنگ معین این‌گونه معنی شده است: «۱- آن‌چه به‌وسیله آن بتوان بالا رفت ۲-

متن علمی و انتقادی، از روی قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی قرن ۸ هـ.ق. با ذکر اختلاف نسخ و شرح ابیات و معنی لغات و ترکیبات و کشف‌الابیات» است. وی در ابتدای همه کتاب‌های منظومش، معراجیه‌هایی می‌سروده که به دلیل زیبایی و تخیل زائدالوصف آن‌ها، بسیار مورد توجه شاعران قرار گرفته و سنتی برای مثنوی‌سرایان پس از وی شده‌است. مقاله مهم دیگر از قاسمی پرشکوه و وفایی (۱۳۹۲) با نام «بررسی تطبیقی معراجیه‌های خمسه نظامی با نگاه موردی به سه معراج‌نامه؛ کتاب‌المعراج، معراج‌النبی و الاسراءوالمعراج» نظامی را بنیان‌گذار ادبیات داستانی و هم‌چنین یکی از پیشروان معراجیه‌سرایی معرفی می‌کند. از جمله مقالات دیگر می‌توان به مقاله نوریان و حاجی‌زاده (۱۳۹۰) اشاره داشت که با عنوان «جلوه معراج پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم، در خمسه نظامی گنجوی» نگاشته شده است. این مقاله با وجود دیدگاه توصیفی حاکم بر آن، دارای اطلاعات خوبی در مورد معراج‌نامه‌های نظامی است. یکی دیگر از مقاله‌های مرتبط با موضوع معراجیه‌های نظامی تألیف هادی (۱۳۸۷) است که با عنوان «نظامی گنجه‌ای و معراج رسول (ص)» انجام‌شده‌است. این مقاله نیز به شیوه تطبیقی، تحلیلی صورت نگرفته است و بیشتر دیدگاهی کلی در مورد عناصر معراج‌نامه‌های نظامی، است که بعضاً در دیگر منابع پیرامون این موضوع نیز به‌روشنی بیان گردیده‌اند.

دسته سوم، منابع عمدتاً بصری هستند که با الهام و بهره‌گیری از موضوع معراج اجرا شده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها: نقاشی معراج در کتاب جامع‌التواریخ اثر رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۰ هـ.ق) است که در سه جلد تهیه شده است (شین دشتگل، ۱۳۸۹: ۹۵). از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نسخه‌های مصور که عظمت مضمون تصویری معراج را در نقاشی ایرانی در برمی‌گیرد؛ نسخه‌ای منصوب به احمد موسی از نقاشان و چهره‌پردازان نام‌آور دربار ایلخانان مغول است که توسط دوست‌محمد هروی، هنرمند و مورخ قرن ۱۰ هـ.ق. در سال ۹۵۱ هـ.ق. فراهم آمده است (همان: ۱۰۲). شین دشتگل (۱۳۸۹) در کتابی با عنوان معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد (ص) سیر گلچینی از آثار تصویری ارائه‌شده با درون‌مایه معراج را در

در آیات ۱۳ تا ۱۸ سوره مبارک نجم نیز، قسمت دوم معراج از بیت المقدس به ملکوت آسمانها ذکر شده است:

وَلَقَدْ رَأَهُ نَزْلَةً أُخْرَى ﴿۱۳﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ﴿۱۴﴾
عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ﴿۱۵﴾ إِذْ يُغْشَى السَّدْرَةَ مَا يَغْشَى ﴿۱۶﴾
مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَعَى ﴿۱۷﴾ لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴿۱۸﴾

و یکبار دیگر هم او را (یعنی جبرئیل را) رسول مشاهده کرد (۱۳). در نزد (مقام) سدره‌المنتهی (که آن درختی است در سمت راست عرش که منتهای سیر عقلی فرشتگان و ارواح مؤمنان تا آنجاست و بر مقام بالاتر آگاه نیستند) (۱۴). بهشتی که مسکن متقیان است در همان جایگاه سدره است (۱۵). چون سدره را می‌پوشاند (از نور عظمت حق) آن چه احدی از آن آگه نیست (۱۶). چشم (محمد ص) از حقایق آن عالم (آن چه را باید بنگرد بی هیچ کم‌وبیش مشاهده کرد (۱۷) آنجا از بزرگ‌تر آیات حیرت‌انگیز پروردگارش را به حقیقت دید (۱۸).

«با توجه به این که در آیه اول سوره اسراء تعبیر عبد به کار برده شده است، منظور از عبد بنده خداوند است نه روح آن. تعبیر عبد نشان می‌دهد که این سفر در بیداری واقع شده و سیر جسمانی بوده است نه روحانی. چون سیر روحانی در خواب اتفاق می‌افتد نه در بیداری. دیگر این که (مَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى) گفته می‌شود یعنی مسجد دور، آن هم نسبت به مسجدالحرام. هدف از این سیر مشاهده آیات عظمت توسط پیامبر (ص) است. در پرتو مشاهده آیات و بینات، عظمت بیشتر می‌یابد و آمادگی فزون‌تری برای هدایت انسان‌ها پیدا می‌کند. نه آن گونه که کوه‌فکران می‌گویند: رسول‌الله به معراج رفت تا خدا را ببیند به گمان این که خدا محل در آسمانها دارد و از (بَارَكْنَا حَوْلَهُ) چنین برداشت می‌شود که علاوه به تقدس مسجدالاقصی آنجا سرزمین مبارک و پربرکتی است و از جمله (إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) این گونه برمی‌آید که بخشش این موهبت بر پیامبر بی حساب

نردبان ۳- پلکان: جمع معراج، معاریج ۴- صعود پیغمبر اسلام به آسمان که یکی از معجزات او محسوب می‌شود» (لغت نامه معین ذیل معراج). اهل لغت، «معراج» را به معنای نردبان، آلت عروج و آن چه بتوان با آن بالا رفت آورده‌اند و عروج را به معنای به آسمان رفتن و بالا رفتن. خود واژه «معراج» بر وزن مفعال، آلت صعود و عروج است. در منظر مسلمانان «معراج» عبارت است از سیر شبانه و سفر آسمانی و ملکوتی پیامبر اکرم (ص) که در سه مرحله صورت گرفته است. «درنوردیدن مرزهای مادی توسط پیامبر (ص) و اتصال با منبع نور الهی به معراج تعبیر می‌شود و در این جا تصویر عالم ملکوت نقش گردیده [منظور نگاره سلطان محمد است] و حضرت رسول با هاله نورانیت با فرشتگان عرش اعلی هم‌قدم گردیده است» (شایسته‌فر و کیایی، ۱۳۸۴: ۴۰).

معراج در قرآن

«قرآن به‌عنوان مهم‌ترین کتاب آسمانی، بازتاب‌دهنده و سند قطعی گلچینی از والاترین مسائل اعتقادی است؛ که از جمله اساسی‌ترین آن‌ها معراج حضرت رسول است. سیر آسمانی پیامبر (ص) (معراج) در دو سوره از قرآن کریم به‌طور آشکار بیان گردیده و در سوره‌های دیگر نیز اشاراتی به آن شده است. در نخستین آیه از سوره مبارک اسراء و آیات ۱۸-۱۳ سوره مبارک نجم، آشکارا و در برخی اشاره‌وار و به‌طور ضمنی درباره سیر خارق‌العاده و ملکوتی حضرت محمد (ص) سخن گفته شده است (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۸). خداوند به‌تصریح در آیه اول سوره مبارک اسراء از سیر شبانه حضرت محمد (ص)، از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی یاد کرده تا نشانه‌های خویش را به او نشان دهد. در این آیه به قسمت اول معراج از مکه تا بیت‌المقدس اشاره شده است.

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (آیه ۱ / سوره مبارک اسراء)

منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجدالاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست.

مانند ستاره‌ای درخشان در میان آنان بود. پس عرض کردم: پروردگار من اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این‌یک نیز قائم است و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد او را دوست بدار که من او را دوست می‌دارم و هر کس که او را دوست بدارد نیز دوست می‌دارم» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ هـ.ق). علامه مجلسی در کتاب *بحارالانوار* جلد ۱۸، حدیثی مشهور از کتاب مختصر حسن بن سلیمان و به سند آن از سلمان فارسی روایت کرده است که «رسول خدا در داستان معراج فرمودند: چون به آسمان اول رفتیم، قصری از نقره سپید و به آسمان دوم رفتیم، قصری از طلای سرخ و آسمان سوم، قصری از یاقوت سرخ؛ در آسمان چهارم، قصری از دُر سفید؛ در آسمان پنجم قصری از دُر زردرنگ؛ در آسمان ششم، قصری از لؤلؤ و در آسمان هفتم از نور عرش خدا قصری بود و چون جبرئیل به دستور من نام صاحب آن قصرها را پرسید؛ گفتند جوانی از بنی‌هاشم. گفتم بپرس این جوان بنی‌هاشمی کیست و همه‌جا فرشتگان و نگاهبانان گفتند او علی‌بن ابی‌طالب است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۳۱۵). همان‌گونه که در آیه ۱۸ سوره نجم هدف از معراج را نشان دادن آیات خداوند به پیامبر بیان می‌کند و طبق حدیث علوی که می‌فرمایند: خداوند هیچ آیه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد. سید ابن طاووس از شاخص‌ترین راویان شیعه می‌گوید: «شنیدم از رسول خدا صلی‌الله علیه وآله و سلم که سؤال شد: خداوند در شب معراج با تو به چه لغت سخن گفت؟ فرمود: با من به لغت علی بن ابی‌طالب تکلم کرد و به من الهام کرد که گفتم: پروردگارا تو بودی که با من تکلم کردی یا علی بن ابی‌طالب؟ خداوند فرمود: ای احمد من نیستم مثل سایر اشیا نه به مردم قیاس می‌شوم و نه با شبهات به وصف درمی‌آیم، تو را از نور خود آفریدم و علی را از نور تو، پس دیدم در درون دل تو احدی محبوب‌تر از علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) نیست، از این جهت به زبان و لهجه او سخن گفتم تا این که دلت آرام گیرد» (ابن طاووس، بی‌تا: ۳۳۰) این حدیث در منابع متعدد اهل تسنن نیز آمده است. (۱) خوارزمی در کتاب *المناقب*، صفحه ۳۷، (۲) *المقتل*، صفحه ۴۲، طبع نجف، (۳) *قندوزی در ینابیع‌الموده*، صفحه ۸۳. از احادیث دیگر در مورد معراج و مشکوه: «موسی بن قاسم از علی بن جعفر روایت کرده‌است که از حضرت موسی

نبوده بلکه به واسطه شایستگی‌هایی بوده که بر اثر گفتار و کردارشان پیداشده و خداوند از آن به‌خوبی آگاه است»

معراج در احادیث و روایات

موضوع معراج علاوه بر قرآن کریم، در منابع حدیث و روایات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. محمد بن یعقوب کلینی معروف به شیخ کلینی در کتاب *اصول کافی*، به بیان حدیث معراج پرداخته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۹۳۴ و ج ۳، ۴۸۲). هم‌چنین در کتاب *امالی شیخ صدوق علیه‌الرحمه* نیز بازتاب وسیعی از احادیث معراج به نمایش درآمده است (بابویه قمی، ۱۳۷۶: ۲۱۶). احمد بن علی طبرسی در شرح و ترجمه *احتجاج طبرسی* موضوع معراج را مطرح کرده‌است (طبرسی، بی‌تا: ۱۶۶). *قصص الانبیاء* نوشته سعید بن هبه... قطب راوندی هم به موضوع پراهمیت معراج پرداخته‌است (قطب راوندی، بی‌تا: ۳۲۵). قاسمی پرشکوه و وفایی در مقاله خود می‌نویسند: «با توجه به این که آن انسان کامل که به تمام و کمال بتواند آئینه ذات الهی باشد تنها پیامبر اکرم (ص) بوده است و اوست که از سویی به حکم حدیث معروف «لولاک لما خلقت افلاک» غایت و هدف ایجاد عالم بوده است و تمام آفرینش به خاطر وجود مبارک آن حضرت پدید آمده است. ایشان کامل‌ترین انسان در تمام دوران آفرینش بوده است و نیز روح ایشان بنا بر حدیث شریف «اول ما خلقت الله من نوری»، در مقام نخستین نور هستی است که از روح آن حضرت در تمام عالم دمیده شده است» (قاسمی پرشکوه، ۱۳۹۳: ۸). اصلی‌ترین مشاهده پیامبر اعظم در شب معراج را باید شهود انوار مقدسه ائمه معصومین بدانیم که «طبق گفته خود حضرت است: ای محمد، من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان را از یک نور آفریدم. پس ولایت ایشان را بر فرشتگان عرضه داشتم؛ هر که آن را پذیرفت از مقربان گردید و هر که رد نمود به کافران پیوست. سپس فرمود: ای محمد آیا مایلی آنان را ببینی؟ عرض کردم بلی. فرمود: قدمی پیش گذار، من قدمی جلو نهادم، ناگاه دیدم علی بن ابی‌طالب (ع) و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی آنجا بودند و حجت قائم

گونگون با یکدیگر دارند و با توجه به قابلیت‌های بالقوه هر حوزه می‌توان از نگارگری و ادبیات به‌عنوان دو رسانه مهم در بازتاب مفاهیم عمیق با موضوعات مختلف یاد کرد که از ادوار گذشته تا به امروز به حیات پویای خود ادامه داده‌اند. مهم‌ترین کارکرد هر رسانه‌ای انتقال مفاهیم آن‌هاست. این کارکرد مهم که دربردارنده جنبه‌های فراطهری و بیش از زیبایی‌شناسی صرف این دو حوزه می‌باشد همواره مورد توجه هنرمندان و صاحبان فرهنگ بوده است تا با بهره‌گیری از آن، مفاهیم و مضامینی را به مخاطبان ارائه دهند. این کارکرد به‌عنوان یک روند انتظام‌یافته، دارای مراحل منسجمی است که انجام هرچه صحیح‌تر آن ضامن صحت کیفیت و کمیت در انتقال پیام‌های موردنظر است.



نمودار ۱: تبیین کارکرد رسانگی دو حوزه نگارگری و ادبیات (اشعار)

معرفی اجمالی دو متن موردبررسی معراجیه‌های نظامی:

الیاس بن یوسف نظامی گنجوی که از مثنوی‌سرایان بزرگ قرن (۶ هـ.ق) است، یکی از بنیان‌گذاران ادبیات داستانی منظوم فارسی به‌حساب می‌آید. یکی از جذابیت‌های مثنوی‌های نظامی وجود تحمیدیه‌ها، مناجات‌ها و معراجیه‌هایی است که در آغاز هر یک از منظومه‌هایش دیده می‌شود؛ که به دلیل زیبایی و تخیل زائدالوصف آن‌ها، بسیار موردتوجه پیروان او بوده‌است. نظامی به‌عنوان شاعری زبردست که بسیاری از اندیشه‌های او رنگ و بوی عرفانی دارد، به انسان و حقیقت او توجه خاصی کرده و در جای‌جای آثارش به این موضوع پرداخته‌است. او انسان کامل را به‌عنوان «حقیقت محمدیه» موردتوجه قرار می‌دهد. با مطالعه پنج گنج نظامی و دیوان اشعارش درمی‌یابیم که این شاعر پرآوازه نه‌تنها واقعه معراج را پذیرفته بلکه به اتفاقات مهم آن سفر ایمان داشته است؛ برخلاف شاعران عرب که با این موضوع با شک و تردید برخورد

بن جعفر علیهم‌السلام درباره این آیه پرسیدم: «الله نور السماوات و الارض مثل نوره کمشکاه فی‌ها مصباح، المصباح فی زجاجه، الزجاجه کانه کوکب دری» فرمودند: مقصود از مشکوه فاطمه و مصباح حسن و زجاجه حسین است. «کوکب دری» فاطمه است که در بین زنان جهانیان ستاره‌ای درخشان بود، ... و مقصود از «نور علی نور»، در وجود حضرت فاطمه امامانی هستند که یکی بعد از دیگری می‌آیند، خداوند به نورش هر که را بخواهد هدایت می‌کند، یعنی به ولایت ما هدایت می‌کند» (مازندرانی، بی‌تا: ۳۵۶).

ادبیات و نگارگری در جایگاه دو رسانه

از ویژگی‌های اساسی نقاشی ایران در سده‌های پس از استقرار اسلام، پیوستگی آن با ادبیات فارسی است. این دو، از دیرباز دارای پیوندی درونی و همخوانی ذاتی هستند؛ زیرا در این فرهنگ، هنر و سخنور، هر دو بر اساس بینشی یگانه و ذهنیتی مشابه و اعتقاداتی پیوسته، دست به آفرینش می‌زده‌اند. علاوه بر این، از نظر زیبایی‌شناسی نیز با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند. نه‌تنها ذهن نقاش با ذهن شاعر هم‌جهت بوده، بلکه نگارگر، کارمایه خود را عمدتاً از منظومه‌های حماسی-تاریخی و اعتقادی - مذهبی برمی‌گرفت (اردلان‌جوان، ۱۳۸۷). کار نقاش فراتر از مصورسازی در معنای متعارف آن است. درواقع نقاش می‌کوشد معادل تجسمی زبان استعاری ادبیات را به کار ببرد. نقاشان حتی در تبیین اصول فنی اثرشان تحت تأثیر ادبیات هستند و مهم‌تر آن که به‌طور کلی، قواعد و قوانینی که در انشای ادبی کاربرد داشته است، معادل‌هایی را در ترکیب‌بندی نقاشی پیدا می‌کند. حتی صور خیال در شعر و ادبیات و نقاشی ایرانی-اسلامی بر هم منطبق‌اند و «نظیر همان توصیف‌های نابی را که سخنوران از وقایع مهم تاریخی-اعتقادی، انسان و اشیا و دیگر موضوعات ارائه می‌دهند، در کار نقاشان هم می‌توان بازبازی نمود. شاعر، شب را به لاجورد، خورشید را به سپر زرین، روز را به یاقوت زرد، رخ را به ماه، قد را به سرو، لب را به گنچه گل و جز این‌ها تشبیه می‌کند. نقاش نیز می‌کوشد معادل تجسمی این زبان استعاری را بیابد و به کار ببرد» (مقدم اشرفی، ۱۳۶۷: ۱۱). با توجه به پیوند عمیقی که دو حوزه نگارگری و ادبیات برای بازتاب موضوعات

داستان معراج نظامی است که نقش بسیار پررنگی دارد؛ چنان که در *مخزن الاسرار* (۵ بیت)، *لیلی و مجنون* (۲ بیت)، *هفت پیکر* (۱۰-۱۲ بیت) و *شرفنامه* (۱۲-۱۳ بیت) در وصف براق آمده است» (قاسمی پرشکوه و وفایی، ۱۳۹۲: ۳۵). در خصوص زمان معراج در کتاب *المعراج* قشیری که از منابع موثق در این موضوع است؛ گفته شده در یک شب، اتفاق افتاده در حالی که در نظر نظامی معراج در شب و مدت آن نیز یک نفس و یک دم است (همان: ۴۷).

او همه معراجیه‌های خود را با شفاعت پیامبر برای امت خود در شب معراج پایان می‌دهد؛ که این موضوع در معراج‌نامه ابن عباس چنین آمده است: «... از براق فرود آمدم و جبرئیل با من وداع کرد و گفت: ای محمد چون صبح کردی شگفتی‌هایی را که امشب دیدی، برای مردم و امت خود بازگو و آنان را به رحمت خداوند متعال بشارت و مژده ده...» (ابن عباس، بی‌تا: ۳۹) مطابقت دارد.

نگاره معراج سلطان محمد

سلطان محمد نقاش از هنرمندان نام‌آشنای ایرانی است که در وصف شخصیت و مهارت هنری او سخن‌های بسیاری گفته شده است؛ از جمله دوست‌محمد گواشانی در دیباچه اثر خود، او را استاد نظام‌الدین سلطان محمد می‌نامد که تصویر را به جایی رسانیده که با وجود هزار دیده فلک مثلش ندیده و سپس می‌افزاید که از آثار برجسته او «موضع پلنگ پوشان» یا همان مجلس کیومرث است که تمامی مصوران را متحیر و میبهوت ساخته است. صاحب *گلستان* هنر هم او را از اهالی دارالسلطنه تبریز می‌داند که وقتی بهزاد از هرات به تبریز آمد، استاد سلطان محمد، روش قزلباشی را در نگارگری ایران بهتر از دیگران ساخته بود. وفات وی را نیز در تبریز می‌نویسد (قمی، ۱۳۶۶: ۴۵). زندگی هنری او به دو دوره قبل از صفویان و بعد از صفویان تقسیم می‌گردد. قبل از صفویان یعنی همان ترکمانان که پیوند این دوره را در *شاهنامه* شاه تهماسب مشاهده می‌کنیم و بعد از صفویان یعنی زمان ورود بهزاد به تبریز و تأثیرپذیری سلطان محمد از وی که در نگاره‌های دیوان حافظ قابل مشاهده است. او هم‌چنین در نگارگری خمسه نظامی که در سال ۸۵۵ هـ ق ناتمام به دست شاه اسماعیل

کرده‌اند. او با قلمی توانا مراحل این سفر آسمانی را از آغاز تا انجام به نظم درآورده است. این بخش در آثار نظامی به استناد نسخه مرحوم وحید دستگردی در صفحات زیر یاد شده است: *مخزن الاسرار*، صفحات ۱۹-۱۴ (۶۸ بیت)؛ *هفت پیکر*، ۱۴-۹ (۷۷ بیت)؛ *لیلی و مجنون*، ۱۴-۱۰ (۶۶ بیت)؛ *خسرو و شیرین*، ۴۳۸-۴۴۱ (۴۳ بیت)؛ *شرفنامه*، ۲۵-۱۷ (۷۷ بیت) (قاسمی پرشکوه و وفایی، ۱۳۹۲). در شعر نظامی برخی از مسائل قطعی و غیرقابل‌انکار و تغییر، مربوط به معراج که اغلب راویان نیز به آن اشاره کرده‌اند، بیان شده است؛ که تحلیل این گونه اشعار خط سیر عقیدتی و فکری این او را نسبت به این رویداد مهم نشان می‌دهد. نظامی در خلال منظومه‌های پنج‌گانه خویش اشعاری دل‌نشین و توأم با خلاقیت در مورد این سفر آسمانی پیامبر (ص) سروده است. نظامی هم در حوزه ترکیب‌سازی، تصویرگری، مضمون‌آفرینی و سرودن داستان‌های بزمی و عاشقانه، هم‌چنین در ذکر موضوعاتی چون معراج پیامبر (ص) آثار توانمندی را بر جای گذاشته است. مجید المصری مؤلف کتاب *الاسراء و المعراج فی الشعر العربی و الفارسی و التركي و الاردی* در تبیین معراج‌نامه *مخزن الاسرار* می‌گوید: «نظامی وصف را زیبا جلوه می‌دهد و سخنش را به صنایع بدیع می‌آراید و در هر شکل و صورتی، زیبایی را به تصویر می‌کشد...» (المصری، بی‌تا: ۱۲۸). به نظر می‌رسد که حکیم نظامی اغلب روایات معراج را از پیش چشم گذرانده؛ اما مطالعه و دقت در مطالبی که در معراج‌نامه‌های خود بیان کرده است، ثابت می‌کند که او بیشتر به روایت امّ هانی دختر ابوطالب و روایت ابوسعید خدری که کامل‌ترین روایت در مورد معراج است و مأخذ و مصدر بسیاری از معراج‌نامه‌های فارسی و عربی است، نظر داشته است. قشیری در باب کیفیت معراج می‌نویسد: «کسانی که معراج پیامبر را جسمانی و روحانی می‌دانند «اهل حق» هستند که در این باب متفقند» (قشیری، بی‌تا: ۲۶). این در حالی است که نظامی، هم در *لیلی و مجنون* و هم در *مخزن الاسرار* و *شرفنامه* به جسمانی و روحانی بودن معراج اشاره می‌کند.

وسیله حرکت حضرت رسول براق بوده که نظامی وصف براق را بسیار مبالغه‌آمیز آورده «چنانکه در کنار سه شخصیت دیگر (خداوند متعال، پیامبر، جبرئیل) یکی از چهار شخصیت

سیلان و چرخش، پا پیش می‌نهند... بال فرشتگان نه تنها بیانگر عظمت معنوی بلکه وسیله انتقال و عامل فعالیت این موجودات فرازمینی است؛ سلطان محمد با تنوع رنگ‌های درخشان و طراحی دقیق بر عظمت بال‌ها افزوده و تحرک را با ترکیب‌بندی اسپیرال بین عناصرش تشدید کرده است به طوری که بیننده برای درک و فهم نفس زمان چشم به ریتم نظام‌مند مداوم اثر دارد (گلیارانی، ۱۳۹۰: ۹۱). سلطان محمد با تصرف در رنگ‌ها فضایی غیرمادی را القا می‌کند که نه تنها مراتب عالم وجود، بلکه شمیم بهشتی را به ارمغان می‌آورد. او در آثارش حالات درونی را به شکل بیان‌گرایانه (اکسپرسیو) تصویر می‌کند (کاشفی، ۱۳۹۲: ۱۰). «این مکان را بازی رنگ‌ها بیشتر ماورائی می‌گرداند؛ رنگ‌های مکمل در کنار یکدیگر گونه‌ای اشباع رنگی را پدید می‌آورد و بیننده کمبود رنگی را در [اثر] احساس نمی‌کند» (فرید، ۱۳۹۱: ۱۲۴). او نوزده فرشته را با هدایای متفاوتی هم‌چون: بخوردان، سینی‌های زرین پر از میوه‌های بهشتی، انوار الهی قرآن مجید، لباس سبز بهشتی همراه با ظرف‌هایی از نور مقدس در حال حمد و ثنا و خوش‌آمدگویی به پیامبر اسلام تصویر کرده‌است. جبرئیل در نقش فرشته راهنما، پیشاپیش پیامبر با هاله نورانی به چشم می‌خورد. نکته حائز اهمیت، رعایت پرسپکتیو مقامی در این اثر است؛ یعنی پیکر پیامبر و جبرئیل بزرگ‌تر از بقیه فرشته‌ها ترسیم شده‌است که نشان از مقام والای ایشان دارد (تصویر شمار ۱).



تصویر ۱: نگاره معراج سلطان محمد (ولش، ۱۳۸۴: ۹۱)

افزاده بود، مشارکت می‌کند. در نگاره‌های این نسخه رقم سلطان محمد ثبت است (آزند، ۱۳۸۴). آثار سلطان محمد در یک نگاه کلی، نشانه توفیق عظیم و سربلندی او در به تصویر کشیدن وقایع مهم است؛ چنان‌که آثارش هم‌چون گوهری بر تارک نگارگری ششصدساله ایرانی- اسلامی می‌درخشد. آثار وی تلفیقی است از رنگ‌های درخشان، شاد و پرتحرک مکتب ترکمانان تبریز و ساختار بسیار سنجیده مکتب نگارگری هرات. او بیش از دیگر معاصرانش توانست حالت و معانی داستان را در قالب شکل صخره‌ها، گیاهان و آسمان بنمایاند. «نگاره معراج سلطان محمد از درخشان‌ترین نمونه‌های تاریخ نگارگری است که در قرن (۱۰ هـ.ق) در نسخه خطی مصور *خمسه نظامی* سفارش شاه‌تهماسب صفوی قرار گرفته است. این نسخه در فاصله میان سال‌های ۹۴۲ تا ۹۴۷ هـ.ق. نقاشی و خوشنویسی شده است؛ این نسخه تا انتهای زمان فتحعلی‌شاه قاجار در کتابخانه سلطنتی حفظ می‌شده تا این‌که در سال ۱۸۸۰ م برای موزه بریتانیا از طریق نامعلوم خریداری شده و تا به امروز در همان‌جا محفوظ مانده است» (زارع‌زاده و خزائی، ۱۳۹۱: ۹۲). «معراج حضرت رسول اثر سلطان محمد نقاش نمونه کامل و شایسته‌ای است از یک اثر مذهبی و معنوی که در عین حال به تمام سنت‌های نگارگری ایرانی وفادار و وابسته است» (آغداشلو، ۱۳۸۲: ۲۳۱). سلطان محمد برخلاف برخی دیگر از نقاشان که شروع معراج را، یا بسیاری که بازدید پیامبر را از بهشت و جهنم به تصویر کشیده‌اند به بخش میانی معراج (میان مبدء و مقصد) توجه کرده‌است. اثری که نه تنها ژرفای فکری و عرفانی این روایت را می‌گشاید؛ بلکه از قدرت هنرمندانه در کار بست عناصر تصویری همانند فرم‌های پالایش‌یافته، رنگ‌های هماهنگ شده، ترکیب‌بندی بسیار محکم و عمق‌نمایی بدون استفاده از پرسپکتیو و فراتر از همه همبستگی کلی و تمامیت‌یافتگی عناصر تصویری حکایت دارد (همان: ۹۰). توجه به اجزای گوناگون و جزئیات بصری و تجسمی بسیار قابل توجه است. می‌توان گفت که: ریتم موجود در این اثر حکایت از زمان دارد. هر فرشته، بازنمای تحرکی است که تکرر منظم ویژگی‌ها، عناصر و پدیده‌ها به آن دلالت می‌کند، هم از این روی دارای تناوب است. این ریتم، حکایت از زمان دارد؛ زمان به این معنی که فرشته‌ها با توالی زمانی، هم‌چون موج‌ها یا ترکیبی از

زیبا و بهترین جایگاه‌ها برای افراد به‌ویژه پیامبر اکرم (ص) در تابلو، هم‌چنین طراحی و رنگ‌بندی بی‌بدیل در این اثر ایجاد فضای معنوی و روحانی مناسب با موضوع، شاهکاری را خلق نموده که مشابهی برای آن نمی‌توان یافت (مظفری، ۱۳۹۱: ۶۱).

تحلیل و بررسی عناصر اصلی دو متن

از جمله مهم‌ترین وجوه مورد تاکید در مطالعات تطبیقی، روند تطبیق جزء به جزء عناصر دو متن با یکدیگر بر مبنای مشترکات و نقاط افتراق است؛ لذا در جدول نخست مشترکات اصلی و گلچین‌شده نگاره و متن، مورد بررسی قرار گرفته است؛ در ادامه و در تکمیل شناخت ویژگی‌های اصلی دو اثر، ابتدا عناصر اصلی بازتاب‌یافته در متون معراجیه‌های نظامی و در ادامه عناصر اصلی نمایش داده شده در نگاره سلطان محمد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از جمله اهداف ضمنی این بخش شناخت نقاط برتری و اهمیت این دو اثر در میان دیگر آثار اجرا شده در این دو حوزه است.

جدول ۱: عناصر اصلی که بازتاب روشنی در دو متن دارند (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تطبیق موضوعات و عناصر اصلی موجود در دو متن			
ردیف	عنوان قسمت	متن معراجیه‌های نظامی	نگاره سلطان محمد
۱	زمان معراج	در همه معراجیه‌های نظامی، زمان معراج و اسراء پیامبر (ص)، (شب) و (نیمه شب) بیان شده است که آسمان در آن هنگام با تمام متعلقات خود منتظر تشریف آن حضرت بوده، این شب بودن هنگامه معراج از خود واژه «اسری» در آیه آخر سوره اسری (بنی اسرائیل) نیز برمی‌آید که به معنای (شبروی و حرکت در شب) است اما در روایات نیز بدین مطلب تاکید شده است؛ چنان‌که صاحب سراج الوهاج فی‌الاسراء و المعراج می‌گوید: «... خداوند پیامبر (ص) را در شبی از مکه به قدس اعلی برد و او را دوباره به مکه بازگرداند، درحالی‌که هنوز بخشی از شب باقی بود...» (ابوالعزائم، ۱۴۰۸: ۳۰). ابن عباس نیز به نقل از پیامبر اکرم (ص) زمان معراج را (لیله) آورده است (ابن‌عباس، بی‌تا: ۲). نظامی در بیشتر منظومه‌های خود به ذکر واژه شب اکتفا نموده و در آن‌ها روایات را در یاد داشته است، چنان‌که در شرفنامه این‌گونه بیان می‌کند: شبی کاسمان مجلس افروز کرد شب از روشنی دعوی روز کرد (نظامی، ۱۳۸۱: ۱۷).	سلطان محمد به تناسب حوزه تصویر و نگارگری با بهره‌گیری از نشانه‌ها و نمادها و هم‌چنین عنصر بااهمیت رنگ به نمایش زمان عروج پیامبر (ص) پرداخته است که از جمله این عناصر ماه (نشانه شب) و هم‌چنین رنگ‌آمیزی متناسب با شب هنگام است، علاوه بر این نمایش ستارگان کوچک در آسمان نیز قابل توجه است



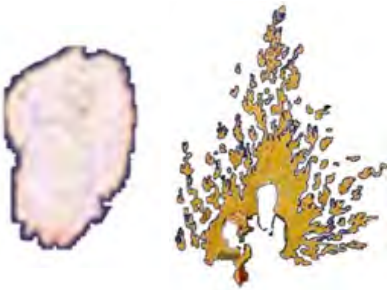



	<p>در نگاره سلطان محمد نیز شخصیت جبرئیل (ع) که در معراجیه‌های نظامی و همچنین متون قرآن و حدیث به عنوان مهم‌ترین همراه حضرت شاخص و در قالب یک راهبر و معرف مسیر تصویر شده است که آن مطلب به خوبی گویای شناخت و تسلط این هنرمند برجسته از منابع اصلی واقعه معراج و تبعیت از آن‌ها است.</p>	<p>جبرئیل امین یکی از شخصیت‌های برجسته داستان معراج در آثار نظامی است، البته جبرئیل در آغاز واقعه معراج، نقش پیک و قاصد الهی را ایفا می‌کند، سپس به عنوان همسفر و به گونه‌ای بلد راه، همراه پیامبر اکرم (ص) راهی آستان قرب الهی می‌شود، ولی با توجه به شرایط به تعبیری رفیق نیمه‌راه حضرت قدس سرمدی است و بیش از آن راه نمی‌برد. همچنین گفتنی است افزون بر جبرئیل (ع)، فرشتگان دیگری چون میکائیل و اسرافیل نیز در این سفر همراه پیامبر (ص) بوده‌اند، با این تفاوت که جبرئیل (ع) از آغاز همراه حضرت (ص) بوده‌است و نقش قاصد بارگاه الهی به حضرت نبوی (ص) و نقش راهنما را برعهده داشته است، لیکن آن دو در میانه راه به آنان می‌پیوندند و نقش آن‌ها نسبت به جبرئیل کم‌رنگ‌تر است. برای مثال در خسرو و شیرین این گونه آمده است:</p> <p>رسیده جبرئیل از بیت معمور برقی برق آورده از دور سرافیل آمد و بر پر نشاندش به هودج‌خانه ررف نشاندش عنان برزد ز میکائیل بگذشت چو جبریل از رکابش بازپس گشت (نظامی، ۱۳۷۸: ۴۳۸)</p>	<p>۲ همراهان و همسفران</p>
	<p>با توجه به جایگاه ویژه عنصر براق در متون حدیثی و قرآن و نگاه ریزبینانه و ظریف سلطان محمد در ترسیم عناصر اصلی واقعه معراج، عنصر براق در این نگاره واجد تمامی ویژگی‌های ترسیم شده در متون و اشعار پیرامون مرکب حضرت (ص) است. در واقع هنرمند از همه امکانات تصویری برای بهتر و دقیق‌تر نشان دادن این عنصر استفاده نموده است؛ از جمله عناصر تشکیل‌دهنده پیکر این موجود، سرعت و پویایی و دیگر موارد که در متون مختلف به دقت به آن‌ها اشاره شده است.</p>	<p>در همه معراجیه‌های نظامی وسیله سیر شبانه، «براق» معرفی شده است؛ که بنا بر روایت، نام اسبی است که جبرئیل (ع) با خود آورده بود. همچنین گفته شده که «براق» اسب انبیا پیغمبر نیز بوده است (ابن هشام، ۱۴۱۰: ۴۸). نظامی در معراجیه‌های خود وصف براق را بسیار مبالغه‌آمیز آورده است، چنان‌که در کنار سه شخصیت دیگر «خداوند متعال، پیامبر (ص) و جبرئیل (ع)» یکی از چهار شخصیت داستان معراج نظامی را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که در <i>مخزن الاسرار</i> (پنج بیت)؛ <i>خسرو و شیرین</i> (پنج بیت)؛ <i>لیلی و مجنون</i> (یک الی دو بیت)؛ <i>هفت پیکر</i>، (۱۲-۱۰ بیت) و در <i>سرفنامه</i> (۱۳-۱۲ بیت) بدان پرداخته شده است (قاسمی پرشکوه و وفا، ۱۳۹۲: ۳۵). گاهی نیز نظامی براق را «برق» خوانده، یا بدان تشبیه می‌کند و از این تشبیه سرعت و پویایی را مقصود نموده است:</p> <p>برقی که براق بود نامش رفق روش تو کرد رامش (نظامی، ۱۳۷۹: ۱۲).</p> <p>«در تفسیر عیاشی از قول عید الله بن عطا حدیثی نقل شده است که امام جعفر صادق فرمودند: همانا جبرئیل با براق نزد پیامبر آمد و آن براق کوچک‌تر از اسب و بزرگ‌تر از الاغ بود. در حالی که گوش‌هایش را تکان می‌داد چشمانش را به سم‌ها دوخته و هر گامش به اندازه یک چشم‌انداز بود» (عیاشی، ۱۴۲۱ ه.ق. ج ۳: ۳۱). نوریان و حاجی‌زاده، (۲۰۱۳: ۲۲)؛ که به گونه‌ای با نظر نظامی نیز تشابهات و تناسباتی دارد.</p>	<p>۳ براق</p>

جدول ۲: عناصر اصلی موجود در متن معراجیه‌های نظامی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

موضوعات و عناصر اصلی که در متن معراجیه‌های نظامی بازتاب دارند			
ردیف	عنوان قسمت	متن معراجیه‌های نظامی	نگاره سلطان محمد
۱	مکان شروع معراج	<p>مکان شروع معراج در منظومه‌های مختلف نظامی، متنوع بیان شده است که به گونه‌ای مطابق با روایات می‌باشد، لیکن با توجه به بیت زیر می‌توان از <i>مخزن الاسرار</i> آن را (مسجدالحرام) دانست: (کرد رها در حرم کائنات هفت خط چار حد و شش جهات) (نظامی، ۱۳۸۱: ۱۷)؛ که (حرم کائنات) بنا بر نقل تفاسیر کنایه از (مسجد الحرام) گرفته شده است (پرشکوه و وفا، ۱۳۹۲: ۳۲)؛ و طبق آیه قرآن، اسراء و و معراج حضرت رسول از آن‌جا شروع شده است: «...من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی...» (اسراء/۱) هم‌چنین تاکید این مطلب سخن خود نظامی در منظومه <i>سرفنامه</i> است که مکان شروع سر شبانه را «ناف زمین» دانسته است: (سر نافه در بیت اقصی گشاد ز ناف زمین سر به اقصی نهاد) (نظامی، ۱۳۸۱: ۱۸)؛ اما در <i>خسرو و شیرین</i> «سرای ام هانی» مکان شروع معراج ذکر شده است:</p> <p>شبی رخ تافته زین دیر فانی به خلوت در سرای ام هانی (نظامی، ۱۳۷۸: ۴۳۸)؛ که در <i>لیلی و مجنون</i> نیز به همین مضمون آمده است (همان: ۱۱). این بیان مطابق با متن کتاب <i>الاسراء و المعراج</i> و روایتی است که از ام هانی بیان می‌شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۲: ۴۰). هم‌چنین ابن عباس نیز در معراج‌نامه خود به این مطلب اشاره دارد (ابن عباس، بی تا: ۴۱).</p>	<p>با توجه به محدودیت و شرایط ویژه حوزه نگارگری که بعضاً یک روایت در قالب تک نگاره می‌نشیند. هنرمند قدرت به تصویر نمودن همه موارد را نداشته است علاوه بر این موردی که بیشتر از این مهارت چشمگیر هنرمند را نشان می‌دهد توجه و تاکید بر عناصر اصلی و کلیدی واقعه معراج و عدم پرداختن به عناصر تشکیکی و مورد اختلاف نظر است. از جمله مواردی که به گونه‌ای اختلاف نظر در مورد آن وجود دارد و شاید عدم تصویر نمودن آن خللی در پیام هنرمند ایجاد نمی‌کند، مکان شروع واقعه معراج است.</p>

۲	مدت زمان معراج:	در معراجیه‌های نظامی اغلب مدت معراج پیامبر (ص) دمی (نفسی) ذکر شده است؛ و گویا وی درباره معراج آن حضرت بلند مرتبه، به نوعی معجزه و عمل خارق العاده معتقد بوده است؛ که بعد زمان را در این سیر شبانه معتبر نمی‌دانسته است، مثلاً در مخزن/الاسرار می‌نویسد: زان سفر عشق نیاز آمده در نفسی، رفته و بازآمده (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۹). نویسنده در شرفنامه به یکی از دلایل این در لحظه بودن این واقعه عظیم اشاره می‌نماید و می‌گوید که دلیل پاکی روح و جسم آن حضرت والامقام است (پرشکوه و وفایی، ۱۳۹۲: ۴۶).
۳	مسیر و منازل حرکت	مسیر و منازل حرکت: زمین به آسمان و آسمان‌ها و بروج. این بخش از آن روی ذکر شده که گاهی میان دو واژه «معراج» و «اسراء» فرق نهاده‌اند و «اسراء» را (انتقال و جابه‌جایی بر سطح زمین) و معراج را «انتقال از زمین به آسمان» دانسته‌اند؛ اما چنان‌که از واژه معراج برمی‌آید و روایات و احادیث نیز موید آن است، پیامبر (ص) از زمین به آسمان صعود و عروج فرموده‌اند. در معراجیه‌های نظامی نیز مسیر معراج پیامبر (ص)، از زمین به آسمان، به خوبی به تصویر کشیده شده است و پس از سوار شدن بر براق و حرکت از زمین، مراحل سفر بسیار زیبا بیان شده است.
۴	اشخاصی که در این سفر پیامبر (ص) با آن‌ها دیدار دارد (انبیاء)	نظامی در معراج‌نامه‌های خود در اغلب موارد نام تک‌تک انبیا را به تفکیک ذکر نکرده است و بیشتر به ذکر واژه «انبیاء» بسنده نموده است، از جمله در مخزن/الاسرار که می‌گوید: عشر ادب خوانده ز سبع سما عذر قدم خواسته از انبیا (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۶). لیکن در مواردی نیز به تبعیت از منابع حدیثی به ذکر نام تعدادی از ائمه (ع) مبادرت ورزیده است، از جمله در شرفنامه که می‌گوید: به هارونیش خضر و موسی دوان مسیحا چه گویم؟ چو موکب روان (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۹). (۲).
۵	برج‌های دوازده‌گانه	یکی از بخش‌های قابل تأمل در معراج‌نامه‌های نظامی، بخشی است که مباحثی با نظر به متون و علوم نجومی نگاشته شده است؛ و آن بخشی است که هنرمند، مرحله عبور پیامبر (ص) را از دوازده برج فلکی شرح می‌دهد. در این بخش به گونه‌ای نمادین، سیر تکامل آن حضرت مطرح شده است. چنان‌که در کتب نجومی آمده است، برج دوازده‌گانه فلکی به ترتیب عبارت‌اند از: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۳۰)؛ که البته این ترتیب در شعر نظامی به گونه‌ای برهم زده شده است.
۷	هدف معراج	در معراجیه‌های نظامی هدف از معراج حضرت رسول (ص) هدف غایی، قرب و دیدار و گفت‌وگو با خداند متعال بیان شده است؛ و همه معراجیه‌های او با این مطلب که پیامبر (ص) به دیدار خداوند نائل شدند و با حق تعالی به هم صحبتی پرداختند اشاره دارد؛ چنان‌که در مخزن/الاسرار، این‌گونه بیان می‌نماید: آیت نوری که زوالش نبود دید به چشمی که خیالش نبود... دید پیامبر نه به چشمی دگر بلکه بدین چشم سر، این چشم سر (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۸). (۱).
۸	مکان پایان معراج	نظامی در برخی از معراجیه‌های خود آورده است که پیامبر (ص)، پس از عروج، دیدار و گفت‌وگو با حق تعالی به زمین بازگشته است و چنان‌که در معراج‌نامه‌ها ذکر شده، به صورت ویژه، به جایی اشاره نکرده است، مثلاً در مخزن/الاسرار می‌نویسد: پشت قوی گشته از آن بارگاه روی درآورده بدین کارگاه (نظامی، ۱۳۸۰: ۱۹). (۲) و یا در شرفنامه که بیان می‌دارد: سوی عالم آمد رخ افروخته همه علم علوی دراموخته (نظامی، ۱۳۸۱: ۲۴). اما در معراج‌نامه‌های دیگر غالباً مکان فرود را مکه و مشخصاً مسجدالحرام می‌دانند.

جدول ۳: عناصر اصلی موجود در نگاره سلطان محمد (نگارندگان، ۱۳۹۷).

موضوعات و عناصر اصلی که در نگاره سلطان محمد بازتاب دارند			
ردیف	عنوان قسمت	متن معراجیه‌های نظامی	نگاره سلطان محمد
۱	ویژگی‌های چهره پیامبر (ص)	ویژگی‌های ظاهری حضرت رسول (ص) دارای بار اعتقادی بسیاری است که براساس متون حدیثی می‌توان از این مورد به اعتقادات شخص هنرمند و دیگر موارد حساس دست یافت.	
۲	طبق‌های نور	در مورد طبق‌های نور با وجود مفاهیم نمادین و اهمیت آن اشاره مشخصی در معراجیه‌های سلطان محمد صورت نگرفته است؛ همچنین واژه یا عبارتی نیز که این عنصر را تبیین کرده باشد در پژوهش‌ها و منابع دیده نشده است.	
۳	مشکوه	با وجود تعبیر اعتقادی عمیقی که در مورد عنصر معراج حضرت رسول (ص) و چه در موارد دیگر، در آیات قرآن کریم و متون حدیثی وجود دارد، این عنصر نمادین جایگاهی در متون معراجیه نظامی ندارد.	
۴	هدایای بهشتی	در مورد هدایای بهشتی در منابع حدیثی بعضاً توضیحات مفصلی بیان گردیده است. با این وجود در متن معراجیه‌های نظامی به مطالب مشخص و منسجمی اشاره نشده است.	

نتیجه‌گیری

هنر ایرانی - اسلامی باتوجه به مبنای ژرف و عمیق خود همواره بازتاب‌دهنده مفاهیم و وقایعی مهم بوده است که بیان آن‌ها از دریچه هنر به لطافت بیشتر این مفاهیم می‌افزاید. از جمله وقایع مهمی که جنبه اعتقادی پررنگی داشته و در حوزه هنر ایرانی - اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است واقعه معراج پیامبر (ص) است که در طول تاریخ دست‌مایه اجرای آثار گوناگونی شده‌است. از جمله مهم‌ترین هنرهای اصیلی که بیشترین آثار اجرایی در حوزه بازتاب واقعه معراج را دارند دو حوزه ادبیات (اشعار) و نگارگری است. هنرمندان بسیاری با شناخت موضوع معراج و همچنین قابلیت‌های دو حوزه نگارگری و شعر، به اجرای آثار فاخر در این دو حوزه پرداخته‌اند که از آن میان معراجیه‌های نظامی گنجوی در حوزه ادبیات و اشعار و همچنین نگاره سلطان محمد نقاش در حیطه نگارگری از جایگاه شاخص‌تری برخوردار هستند که در پژوهش حاضر با رویکردی روشمند و جدید مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بر این مبنا ابتدا روند انتقال پیام از دریچه این دو حوزه در بخش کارکرد رسانگی مورد تحلیل قرار گرفت و عناصر موجود در جایگاه فرستنده، اثر هنری و گیرنده با شفافیت ترسیم گردید. در ادامه در پاسخ به سؤال نخست مقاله در خصوص میزان پای‌بندی سلطان محمد نقاش به متن معراجیه‌های نظامی که در منابع مختلف به عنوان منبع الهام نقاش ذکر شده است باید بیان نمود که بر مبنای تطبیق عناصر اصلی دو اثر به عنوان دو متن (متناسب با رویکرد بینامتنیت)، میزان برداشت و الهام سلطان محمد از متون معراجیه‌های نظامی در صدی قابل قبول و چشمگیر است؛ به گونه‌ای که تقریباً در اکثر مواردی که هنرمند نقاش توان نمایش عناصر و مفاهیم اصلی واقعه معراج را داشته، به متن معراجیه‌های نظامی نیز نظر داشته است، لیکن مسئله بسیار مهم این است که سلطان محمد نقاش باتوجه به مهارت و صلاحیت حرفه‌ای بسیار در حوزه نگارگری به بهره‌گیری از متون معراجیه نظامی بسنده ننموده و خود هم‌چون محقق زبردست به بررسی مبانی اصیل این واقعه اعتقادی در منابع قرآنی و حدیثی، پرداخته است که این مطلب به خوبی در نحوه تصویرگری وی و عناصر منتخب در نگاره او جلوه‌گر شده

است؛ البته گمانه زنی‌هایی در مورد تأثیر سیاست مذهبی رایج عصر صفوی مبنی بر شیعه‌گری، بر اثر این هنرمند نیز مطرح شده است، لیکن با توجه به نگاه دقیق و رویکرد علمی پژوهش حاضر، این‌گونه موارد چندان مورد تأیید این پژوهش نمی‌باشد. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش پیش رو که در مورد مبانی این دو اثر شاخص مطرح شده است باید بیان نمود که با توجه به بررسی تفکیکی انجام شده در قسمت مطالعه دو متن و همچنین تطبیق عناصر و نقاط شاخص دو اثر در قالب جداول و متون؛ که با رویکرد بینامتنیت به انجام رسید، به وضوح این مسئله مورد تأکید قرار می‌گیرد که هر دو هنرمند علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسی و هنری آثار خود و به مراتب بیشتر از آن، در نمایش درون‌مایه و مضامین به‌کار رفته در آثار خود با دقت و حساسیت رفتار نموده‌اند و چون بر اهمیت موضوع معراج و بار اعتقادی این واقعه کاملاً واقف بوده‌اند، اصیل‌ترین و مستندترین منابع قرآنی و حدیثی را مبنای آثار خود قرار داده‌اند و این تناسب زیبایی‌شناسی ساختار ظاهری و غنای درون‌مایه، از جمله مهم‌ترین رموز موفقیت این دو اثر شاخص است. البته ذکر این نکته ضروری است که به غیر از منابع ذکر شده منابع دیگری نیز مورد بهره‌برداری دو هنرمند قرار گرفته‌است از جمله این‌که نظامی برای اجرای این اثر بر معلومات و اصطلاحات نجومی و علم فلک‌الافلاک نیز نظر داشته است. با در نظر گرفتن جایگاه شاخص هر دو اثر باید به ذکر فضیلت‌هایی در مورد نگاره سلطان محمد پرداخت؛ از جمله این‌که سلطان محمد که در زمره نقاشان احساس‌گرا به حساب می‌آید با وجود محدودیت فضایی و اقتضای حوزه نگارگری با هنرمندی تمام این واقعه مهم را به زیبایی و کمال هرچه تمام‌تر به تصویر کشیده است. این هنرمند که به گونه‌ای اعتقادات مذهبی خود را نیز در این اثر به نمایش درآورده است، با ترکیب‌بندی پویا و جسارتی که در رنگ‌آمیزی به کار می‌برد، اثری به مراتب تأثیرگذارتر از شعر نظامی می‌آفریند. او با نشان دادن آیات الهی (طبق‌های نور)، مشکوه، جبرئیل و فرشتگانی که حامل پیشکش‌هایی از سوی پروردگار برای حضرت رسول (ص) هستند و هم‌چنین فرشته‌ای که حامل قرآن است، به‌گونه‌ای بلیغ، مهم‌ترین وقایع این سفر روحانی را به تصویر کشیده‌است. نکته‌ای که در مشاهده عمیق‌تر

این نگاره توجه بیننده را جلب می‌کند این است که سلطان محمد علاوه بر پوشاندن صورت پیامبر (ص) طبق احادیث شیعه عناصر نمادینی چون قرآن، مشکوه و طبق‌های نور را که دارای جنبه‌های تبیینی مختلفی هستند و در احادیث قدسی به آن‌ها اشاره شده است به زیبایی تصویر کرده‌است. این موضوع این نظریه مولفان پژوهش حاضر را تقویت می‌نماید که هنرمند علاوه بر دارا بودن اعتقادات عمیق شیعی و شناخت و تسلط بر مبانی اعتقادی این مذهب به حدیث مشهور ثقلین پیامبر (ص) نیز نظر داشته که ایشان فرمودند: «من در میان شما دو امانت به ودیعه می‌گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیت را و...». البته با توجه به این که اثبات این فرضیه در حوزه رویکرد و موضوع این پژوهش نیست و هم‌چنین نیازمند پژوهش‌های چندبعدی فراگیری است، اثبات این مسئله به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های آتی و علاقه‌مندان به حوزه‌های بینارشته‌ای پیشنهاد می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱- حسن ابن محمد خزایی نیشابوری رازی معروف به جمال‌الدین ابوالفتح رازی صاحب تفسیر *روض الجنان و روح الجنان فی التفسیر القرآن* است. او از متکلمان شیعه امامیه در قرن ۶ هـ ق است. این تفسیر از کهن‌ترین و مفصل‌ترین تفاسیر قرآنی شیعه است که تفسیر ابوالفتح رازی هم خوانده می‌شود. کتاب او به شیوه کلامی-روایی و به زبان فارسی تألیف شده‌است. او در این کتاب روایت معراج را از خانه ام هانی قوی‌تر می‌داند. وی معتقد است در بین روایان حدیث معراج اختلاف الفاظ و اتفاق معانی وجود دارد.

۲- منصور علی ناصف از اندیشمندان معاصر و استاد دانشگاه الازهر مصر است و صاحب کتاب *التاج فی بیان المعراج* است. وی در کتاب خود احادیث معراج را جمع‌آوری کرده است.

فهرست منابع

قرآن مجید

• آژند، یعقوب. الف. (۱۳۸۴). *سیمای سلطان محمد نقاش*. تهران: فرهنگستان هنر.

• ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ هـ ق). *الغیبه (للنعمانی)*.

تهران: نشر صدوق.

- ابن عباس، عبدالله. (بی‌تا). *معراج‌النبی*. بیروت: دارالتعاون.
- اردلان جوان، سید علی. (۱۳۸۷). «ادبیات و نقاشی دو جلوه از یک حقیقت»، *مجله مشکوه*، (۲۰۱)، ۱۰۴-۹۶.
- جعفری، طیبه. (۱۳۹۰). «تحلیل عناصر نمادین و کهن‌الگویی در معراج‌نامه‌های نظامی»، *نشریه ادب پژوهی*، شماره شانزدهم: ۱۴۵-۱۲۳.
- خداداد، زهرا؛ مرتضی، اسدی. (۱۳۸۹). بررسی نقاشی‌های معراج حضرت محمد در کشورهای اسلامی از دیرباز تا به امروز، *فصلنامه نگره*، شماره ۱۵: ۴۹-۶۷.
- خزائی نیشابوری رازی، حسن بن علی بن محمد. (۱۳۶۷). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تصحیح: محمدجعفر یاحقی و مهدی ناصح. (۱۳۷۱). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- دهخدا، علی اکبر و همکاران. (۱۳۳۴). *لغت‌نامه دهخدا*. ج ۴۵. تهران: سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- زارع‌زاده، فهیمه؛ خزائی، محمد. (۱۳۹۱). «صور خیال در تابلوی معراج حضرت رسول صلی الله علیه وآله اثر سلطان محمد»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۶۶: ۹۰-۹۵.
- شایسته‌فر، مهناز؛ کیایی، تاجی. (۱۳۸۴). «بررسی نماهای نور و فرشته راهنما یا پیر فرزانه در فرهنگ ایران»، *دوفصلنامه مطالعات هنر/اسلامی*، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، سال اول، شماره ۲: ۵۰-۲۹.
- شین دشتگل، هلنا. (۱۳۸۹). *معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد (ص)*. تهران: علمی فرهنگی.
- طبرسی، احمد بن علی. (بی‌تا). *شرح و ترجمه احتجاج طبرسی*. جلد ۲.
- طبری، محمد بن جریر. (۳۱۰ هـ ق). *جامع‌البین فی تفسیر القرآن*. بیروت.
- فرید، امیر. (۱۳۹۱). «نگاره جشن سده اثر سلطان محمد»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۶۶: ۱۲۰-۱۲۵.
- قاسمی پرشکوه، سعید؛ وفایی، عباس‌علی. (الف) (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی معراجیه‌های خمسه نظامی با نگاه موردی به سه معراج‌نامه کتاب المعراج، معراج‌النبی و الاسراء و المعراج»، *دوفصلنامه پژوهش‌نامه ادبیات تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۲: ۲۳-۵۱.
- _____ (ب). (۱۳۹۲). «کتاب

تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

• _____ (۱۳۸۰). *اسکندرنامه، براساس متن علمی و انتقادی علوم شوروی*. تهران: ققنوس.

• _____ (۱۳۸۰). *مخزن الاسرار. حواشی و تصحیح حسن وحید دستگردی*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

• _____ (۱۳۸۱). *شرفنامه. حواشی و تصحیح حسن وحید دستگردی*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

• _____ (۱۳۸۱). *اقبال‌نامه نظامی گنجوی: متن علمی انتقادی: از روی قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی قرن ۸ هـ ق*

با ذکر اختلاف نسخ و شرح ابیات و معنی لغات و ترکیبات و کشف الاسرار. تصحیح: برات زنجانی. تهران: دانشگاه پهلوی.

• _____ (۱۳۸۳). *هفت پیکر. حواشی و تصحیح حسن وحید دستگردی*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

• _____ (۱۳۸۷). *خسرووشیرین. حواشی و تصحیح حسن وحید دستگردی*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

• _____ (۱۳۹۰). «جلوه معراج پیامبر، صلی الله علیه و آله و سلم، در خمسه نظامی گنجوی». *نشریه ادبیات تعلیمی*

(پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی). س ۳. ش ۹ (بهار): ۴۲-۱۷.

• نوریان، محمد؛ حاجی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۰). «جلوه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خمسه نظامی گنجوی». *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*. شماره ۹: ۱۷-۴۲.

• ولش، استوارت کری. (۱۳۸۴). *نقاشی ایرانی نسخه نگاره‌های عهد صفوی*. مترجم: احمدرضا تقاء. تهران: فرهنگستان هنر.

• همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۷۱۰ هـ ق). *جامع‌التواریخ*. URL: www.merajpayambar.blogfa.com (access date: 13Dec2017)

دسترسی ۱۳۹۶

المعراج، معراج النبی و الاسراء و المعراج»، *دوفصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۲: ۵۱-۲۳.

• _____ (۱۳۹۳). *سیمای پیامبر اکرم به عنوان انسان کامل و کمال انسانی در خمسه نظامی گنجوی*،

متن‌شناسی ادب فارسی، سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱: ۱-۲۴.

• قشیری، عبدالکریم هوازن. (بی تا). *رساله قشیری*. تصحیح: بدیع‌الزمان فروزانفر. (۱۳۶۱). تهران: علمی فرهنگی.

• قمی، علی ابن ابراهیم. (۱۴۰۴ هـ ق). *تفسیر القمی*. قم: دارالکتاب.

• قمی، میرزا احمد. (۱۳۶۶). *گلستان هنر*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: بنیاد فرهنگ.

• کاشفی، جلال‌الدین سلطان. (۱۳۹۲). «به کارگیری دیدگاه‌های اجتماعی در آثار سلطان محمد نگارگر با استفاده از اصول و قواعد هنر اسلامی». *فصلنامه نگره*، شماره ۲۶: ۴-۱۸.

• کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ هـ ق). *اصول کافی*. جلد ۱ و ۳. مترجم: مصطفوی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

• گلیارانی، بهزاد. (۱۳۹۰). *زمان و نامیرایی در نگاره معراج رسول (ص)*. شماره ۱۵۸: ۹۰-۹۵.

• مازندرانی، محمد امین بن عنایت‌الله. (بی تا). *العمده*.

• مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ هـ ق). *بحار الانوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. جلد ۱۸.

• محمدی شاهرودی، عبدالعلی. (۱۳۷۹). *معراج در آئینه استدلال*. تهران: اسوه.

• معین، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.

• مظفری، کامران. (۱۳۹۱). «جایگاه مقام خلوت در نقاشی ایرانی اسلامی با تاکید بر دواثر سلطان محمد نقاش مکتب تبریز (معراج پیامبر - بارگاه کیومرث)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.

• مقدم اشرفی، م. (۱۳۶۷). *همگامی نقاشی با ادبیات در ایران*. مترجم: روئین پاکباز. تهران: نگاه.

• منشی، اسکندر بیک. (۱۳۵۰). *تاریخ عالم آرای عباسی (ج ۱)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

• ناصف، منصور علی. (بی تا). *التاج فی بیان المعراج*. لبنان: بیروت.

• نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۰). *خمسه حکیم نظامی گنجوی*. تهران: ارمغان ایران.

• _____ (۱۳۷۹). *لیلی و مجنون*. حواشی و

The Comparative Study of Prophet Mohammad's Appearance in Sultan Mohammad's Miniature of Ascension and Nizami's Works of Ascension*

Mahdi Davazdahemami¹, Zeinab Sadat Hossein Zade Hejazi², Mohieddin Aghadavoudi³

1- Associated Professor in Art Research, Art University of Esfahan

2- MSc in Handicrafts, Department of Handicrafts, Art University of Esfahan

3- Ph.D candidate in Comparative and Analytical Study of Islamic Art, Art Department, Shahed University (Corresponding author)

Abstract

Prophet's ascension is one of the most important Islamic belief disputes that is reflected in literal and art works. The miniature of ascension by Sultan Mohammad a painter in 9th Hijri century and works of ascension by Nizami Ganjavi a poet in 6th Hijri century are the best examples in this field. This study attempts to evaluate and study the role of communicative capability in two scopes, miniature and literature, in reflecting Prophet Mohammad's great character. And based on intersexual view, it studies the Sultan Muhammad' miniature of ascension and Nizami's works of ascension as a base to answer these questions: "how much and how sultan Muhammad's miniature of ascension could be loyal to Nizami's works of ascension?" and "which one of these two works has the best reflection of Prophet Mohammad' greatness in the form of ascension dispute? Therefore the used elements in both works have been evaluated by the holy Quran criterion and then comparison of two works' components has been done. The method of present research is descriptive-analysis through Comparative approach. Gathering information has been performed through library and documentary method and the analysis of data has been qualitative one. It seems that Sultan Muhammad's miniature of ascension has considerably been loyal to Nizami's works of ascension while both works embrace main elements of ascension event according to the holy Quran and traditions.

Key words: Prophet Mohammad's «Meragh», Miniature, literature, Sultan Muhammad, Nizami.

1. Email: m12emami@yahoo.com

2. Email: zeinab.hejazi@yahoo.com

3. Email: m.aghadavoudi@shahed.ac.ir